



کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

وصیت نامه کوروش بزرگ + منبع

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱۶ خرداد ۱۳۹۹ ۹۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

وصیت نامه کوروش بزرگ در متون تاریخی وصیت نامه ای از کوروش بزرگ نقل کرده اند که سرشار از مفاهیم بالای انسانی است. شگفت آنکه بخش هایی از شاهنامه فردوسی شباهت عجیبی به این اندرز ها دارد. در این نوشتار به بررسی اندرز های پایانی کوروش بزرگ (با منابع) و شباهت های آن به بخش هایی از شاهنامه می پردازیم. اندرز های پایانی کوروش بزرگ در منابع مهم ترین منبعی که از اندرز های پایانی کوروش بزرگ سخن گفته است؛ «کوروش نامه گرنفون» می باشد. نگاه کنیده: کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷ در روایت های منسوب به «کتزیاس»،



وصیت نامه کوروش بزرگ

در متون تاریخی وصیت نامه ای از کوروش بزرگ نقل کرده اند که سرشار از مفاهیم بالای انسانی است. شگفت آنکه بخش هایی از شاهنامه فردوسی شباهت عجیبی به این اندرز ها دارد. در این نوشتار به بررسی اندرز های پایانی کوروش بزرگ (با منابع) و شباهت های آن به بخش هایی از شاهنامه می پردازیم.

اندرز های پایانی کوروش بزرگ در منابع

مهم ترین منبعی که از اندرز های پایانی کوروش بزرگ سخن گفته است؛ «کوروش نامه گرنفون» می باشد.

نگاه کنید به: کوروش نامه گرنفون، دفتر ۸، بخش ۷

در روایت های منسوب به «کتزیاس»، هم به اندرز های پایانی کوروش اشاره شده است اما فقط خلاصه ای از این نوشته های کتزیاس به دست ما رسیده است.

نگاه کنید به: خلاصه فوتیوس از تاریخ کتزیاس، کتاب ۸

از مشهور ترین جملات اندرزهای پایانی کوروش که در «کوروش نامه گرنفون» ثبت است، می توان به جملات زیر اشاره کرد:

- راه دل ربودن و دل بسته کردن مردمان نه با درشتی و تند خویی ست که با تیمار و اندوه خواری های مهرورزانه است.

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بند ۱۳، برگردان ابوالحسن تهامی

- مهر بورزید دوستان را، و این مهرورزی شما را نیرویی خواهد داد که با آن دشمنانتان را بر اندازید.

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بند ۲۸، برگردان ابوالحسن تهامی

- پس از مرگم، بدنم را طلاکاری یا نقره کاری نکنید یا در تابوت یا چیزی همانند این مگذارید. زودتر آنرا در آغوش خاک بسپارید. آیا جایی فرخنده تر از خاک برای آرمیدن است؟! خاک مادر زیبایی هاست و دایه نیکی ها. در سراسر زندگی دوستار مردمان بوده ام؛ شاد خواهم شد که دوباره بخشی از آن چیزی بشوم که برای مردمان خوبی فراوان ببار می آورد.

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بند ۲۵، آمیخته ای از برگردان ابوالحسن تهامی و خشایار رخسانی

...

کتزیاس هم می نویسد:

کوروش برای کسانی که کردار نیک را پیشه سازند آرزوی سعادت و به آنان که رفتاری زشت دارند نفرین کرد.

خلاصه فوتیوس از تاریخ کتزیاس، کتاب ۸، بند ۵

اندرز های کوروش و اندرز های کیخسرو در شاهنامه

می دانیم که شباهت هایی میان کوروش و کیخسرو در روایت های ایرانی وجود دارد. به نظر می رسد کیخسرو و همچنین فریدون آمیختگی هایی با کوروش بزرگ دارند.

برای دانش بیشتر بنگرید به: کوروش بزرگ در شاهنامه فردوسی

این شباهت ها در وصیت کوروش و کیخسرو مشهود است. گفته کتزیاس و گزنفون درباره چگونگی پخش کردن ولایات بین جانشینان با گفته شاهنامه فردوسی درباره کیخسرو هماهنگی نسبی دارد.

بر اساس کوروش نامه گزنفون، کوروش، فرمانروایی را به فرزند بزرگش کمبوجیه (کامبوزیا) می دهد اما به دیگر فرزندانش شهربانی ماد، ارمنیه و کادوسته را می دهد.

کورش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بند ۱۱

کتزیاس می گوید، کورش، پسر بزرگ خود یعنی کمبوجیه را به عنوان جانشین خود برگزید و پسر کوچک را ساتراپ(حاکم) باکتریان(بلخ) و خوارزم و پارت و کرمانیان کرد. بخش هایی را هم به اشخاص دیگر سپرد.

خلاصه فوتیوس از تاریخ کتزیاس، کتاب ۸، بندهای ۲۰۱

بر اساس شاهنامه نیز کیخسرو تنها به گزینش لهراسپ به جانشینی خود بسنده نمی‌کند، بلکه فرمانروایی بخشهایی از کشورش را نیز به پهلوانان واگذار می‌نماید.

مجله ایران‌شناسی، دکتر جلال خالقی مطلق

اندرزهایی که کیخسرو پیش از مرگش می دهد و در شاهنامه فردوسی ثبت شده است شباهت زیادی به اندرز های کورش در کتاب کورش نامه گزنفون دارد و به طور کلی شرایط پایان زندگی کورش در کتاب کورش نامه شبیه به شرایط پایان زندگی کیخسرو در شاهنامه است.

بر اساس روایت شاهنامه، کیخسرو پس از شصت سال پادشاهی دل از جهان بر می‌کند و از خداوند می‌خواهد که او را به سوی خود باز خواند. بعد از مدتی، سروش در خواب بدو نمایان می‌گردد و به او مژده می‌دهد که آرزوی او پذیرفته گشت. کیخسرو چون از خواب بر می‌خیزد، پس از اندرز کردن بزرگان و گذشت حوادثی به سوی جهان دیگر رهسپار می‌گردد.

گزنفون هم از خواب دیدن کورش قبل از مرگش خبر می دهد:

هنگامیکه کورش در کاخ خوابیده بود، تینابی (رویایی) را دید: یک رخساره ای (قیافه ای) که بیشتر از آدمیزاد شکوهمند و زیبا بود در خواب بر او نمایان گشت: «آماده شوید کورش، زیرا شما باید بزودی به سوی یزدان بروید.» هنگامیکه آن تیناب (رویا) پایان یافت، کورش برخاست و بنگر (به نظر) می آمد که او کمابیش پی برده باشد که پایان زندگیش نزدیک است.

کورش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بند ۲ - برگردان خشایار رخسانی

گرچه در سخنان دیگر مورخان هم از خواب دیدن کورش قبل از مرگش سخن آمده است اما اندرز های کورش قبل از مرگ در گفته گزنفون شباهت های عجیبی با اندرز های کیخسرو در شاهنامه دارد.

بر اساس کوروش نامه گزنفون، کوروش نخست زبان به شرح پیروزی های خود گشوده و می گوید:

پسرانم و دوستان من، پایان زندگی من فراز می آید،... و به هنگامی که مرگ در ربود مرا شما باید با گفتار و کردار آشکار کنید که من نیک بخت و دل شاد بوده ام. به زمان کودکی همه شادی ها و پیروزی های کودکانه ی خویش را داشتم، و چون بالیدم و بالا گرفتم، گنجینه های جوانی را از آن خویش کردم؛ و همه گردن فرازی های مردانه را فراچنگ آوردم، ... و سال ها همچنان که به دنبال یک دگر گذشتند، می نگریستم که قدرت من نیز با گذر سالیان فزونی می گیرد، به گونه ای که خویش را در کهن سالی سست تر از جوانی نیافتم؛ و به یاد نمی آورم که در رسیدن به چیزی که از بهرش کوشیده بودم، یا آرزویش را داشتم ناکام مانده باشم. فزون تر این که دوستان را با گنج و خواسته که بخشیده ام شاد کرده، دشمنان را فکنده و کوفته ام. این سرزمین نیاکانی که زمانی در آسیا به هیچ نمی آمد، اکنون در چکاد نیرومندی از بهر شما باز می نهم، و اگر در نگر (نظر) آوریم چه پیروزی های کلان بر من آغوش گشوده اند، خواهیم دانست که مرا شکستی نبوده است.

کوروش سپس از هراس خود سخن می گوید:

در سراسر زندگانی روزهایم آن گونه گذشت که آرزویش می داشتم، هراسی که مرا همواره همراه می آمد این بود که مبادا روزی پای به راه کژی و اهریمنی گذارم، و این هراس بار نمی داد که خویش را سخت بزرگ بیانگارم، یا شادی کنم آن چنان که بی خردان کنند. ... مرا آرزو این است که رستگار بیندارندم مردمان، و به نیکی یاد کنند از من.

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بندهای ۷۰۶ و ۸۰۷ - برگردان ابوالحسن تهامی

بر اساس شاهنامه فردوسی، کیخسرو هنگام درگذشتن از جهان با خود چنین می اندیشد:

بر این گونه تا سالیان گشت شست / جهان شد همه شاه را زیر دست

پر اندیشه شد مایه ور جان شاه / از آن رفتن کار و آن دستگاه

همی گفت: هرجا از آباد بوم / ز هند و ز چین اندرون تا به روم

هم از خاوران تا در باختر / ز کوه و بیابان و از خشک و تر

سراسر ز بدخواه کردم تهی / مرا گشت فرمان و گاه مهی

جهان از بداندیش بی بیم گشت / فراوان مرا روز بر سر گذشت

ز یزدان همه آرزو یافتم / و گر دل همی سوی کین تافتم

و سپس از هراس خود سخن می‌گوید:

روانم نباید که آرد منی / بداندیشی و کیش آهرمنی

شوم بدکنش همچو ضحاک و جم / که با تور و سلم اندر آمد به زَم...

به یزدان شوم یک زمان ناسپاس / به روشن روان اندر آرم هراس

ز من بگسلد فره ایزدی / گرایم به کژی و راه بدی

از آن پس بر آن تیرگی بگذرم / به خاک اندر آید سر و افسرم

به گیتی بماند زمن نام بد / همان پیش یزدان سرانجام بد

تبه گردد این گوشت و رنگ رخان / بریزد به خاک اندرون استخوان

هنر کم شود، ناسپاسی به جای / روان تیره ماند به دیگر سرای

گرفته کسی تاج و تخت مرا / به پای اندر آورده بخت مرا

ز من مانده نام بدی یادگار / گل رنج های کهن گشته خار

من اکنون چو کین پدر خواستم / جهانی به خوبی بیاراستم

بکشتم کسی را که بایست کشت / که بُد کژ و با راه یزدان درشت

به آباد و ویران درختی نماند / که منشور بخت مرا برنخواند

چنان که می بینیم در هر دو گزارش، نخست سخن از گسترش قدرت و پیروزی بر دشمنان و رسیدن به همه آرزوها و خواسته هاست، و سپس در پایان، سخن از هراس است. هراسی که کیخسرو و کوروش در دم مرگ از آن سخن می‌گویند، هراس از گرفتاری در چنگال غرور و منی ناشی از کسب قدرت زیاد است که مبادا آنها را به ناسپاسی کشاند و اهریمنی بودن این کردار در هر دو گزارش نقل شده است.

با سپاس از دکتر جلال خالقی مطلق، مجله ایران‌شناسی



فردوسی بزرگ

این اشتراکات در منابع وجود چنین اندرزهایی را از کوروش محتمل جلوه می دهد؛ هرچند ممکن است برخی از جملات با اما و اگر روبرو باشد چرا که مورخان شنیده های خود را بیان کردند. به هر حال صرف نظر از آنکه این اندرز ها از جانب کوروش مطرح شده است یا خیر؛ به نظر می رسد یک حکمت ایرانی پشت این وصیت وجود دارد. جملات این اندرز ها بسیار خردمندانه می باشد و آدمی را به اندیشه و تکاپو برای بهبود وا می دارد.

بن مایه ها :

فردوسی. شاهنامه.

گزنفون. مترجم: ابوالحسن تهامی. بر اساس ترجمه انگلیسی (Henry Graham Dakyns). زندگی کوروش (کوروش نامه Cyropedia). چاپ دوم. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۹

گزنفون(سنفون). مترجم: خشایار رخسانی. زندگی نامه کوروش بزرگ (کوروش نامه Cyropedia). انجمن پژوهشی ایران شهر

فوتیوس. مترجم: کامیاب خلیلی. خلاصه تاریخ کتزیاس از کوروش تا اردشیر(معروف به خلاصه فوتیوس). چاپ نخست. تهران: انتشارات کارنگ، ۱۳۸۰

یاری نامه ها :

جلال خالقی مطلق. مجله ایران‌شناسی. سال هفتم، بهار ۱۳۷۴، شماره

برگرفته از پردیس اهورا

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «وصیت نامه کورش بزرگ + منبع»، پارسیان دژ، ۱۳۹۹.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1279/pdf/وصیت-نامه-کورش-بزرگ.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵